

«که گفت که در اسلام دین را با هنر سازگاری نیست؟ بر عکس، این هر دو با یکدیگر ملاقات می‌کنند و آن هم در مسجد. خدای اسلام -الله تعالی- نه فقط رحیم و حکیم است بلکه جمیل هم هست، و از همین رو چنانکه صوفیه می‌گویند، دوستدار جمال. یک نظر به بعضی مساجد کهن نشان می‌دهد صرف نظر از قدس و نزهت معنوی که دارند از لحاظ یک مورخ نیز در خور آنند که گالری‌های هنر اسلامی تلقی شوند.»^۱

گفته بالا نظری است از مرحوم «عبدالحسین زرین کوب» در «کارنامه اسلام». اگر که همانند مرحوم زرین کوب بپذیریم که اسلام، دین هنر و زیبایی‌های معنوی است، ابزارهای تحقیق و تعمیق چنین دینی نیز باید متناسب با درو نمایی و سرشت آن باشد. از طرف دیگر باید باور داشت که دیگر ادیان نیز به چنین رویکردی روی خوش نشان داده‌اند. حتی داد و ستدهای فرهنگ معنوی و دینی نیز در جهت گسترش دین جهانی بوده است یعنی رسیدن به مرحله‌ای که عبودیت محض ذات باری تعالی مطرح است و به قول مولانا باید، جنگ هفتاد و دو ملت را همه را عذر نهاد. مسلمانان نیز همواره سعی نموده‌اند که هر چه باشکوه‌تر در جهت تلفیق هنر و معنویت بکوشند. دکتر زرین کوب در همین زمینه می‌گوید:

«حقیقت آن است که معمار مسلمان در روزگاران گذشته هر زیبایی را که در اطراف خویش می‌دید اگر آن را در خور عظمت و جلال خدا می‌یافت سعی می‌کرد تا به هنگام فرصت برای آن در مسجد جایی باز کند.»^۲

تنها شیوه‌های بیرونی دین چنین جذاب و زیبا نیست بلکه سرشت و فطرت درونی دین نیز از این زیبایی، بیش و پیش در حد کمال برخوردار است. کدام انسان است که آهنگ متین و موزون سوره‌های قرآن را بشنود و تحت تأثیر قرار نگیرد. کدام بشر است که صرف نظر از معنویت ادعیه و نهج البلاغه و نهج الفصاحه از آهنگ هوشربایی ظاهری آن بی‌بهره ماند. حدیث این دل‌ربایی و شیفتگی از زبان خاورشناسان شنیدنی است:

«بلاشرو پتروشفسکی» هر دو از شور و شیفتگی مسلمانان نسبت به زبان قرآن سخن گفته‌اند. گلدزیهر می‌نویسد: هیچ اثر ادبی در جهان، در اعجاب عظیم و بی‌نظیری که قرآن برانگیخت، به پای آن نمی‌رسد.

«آرثر ج. آربری» آنجا که سخن از ریتم‌های توبرتوی قرآنی به میان آورده، آن را برتر از بزرگترین شاهکارهای ادبی نوع بشر دانسته است. ترجمه قرآن که «آربری» با عنوان تعبیر قرآن به دست داده، به گفته محمد جواد سهلانی، مترجم آن، جزو آثار کلاسیک انتشارات دانشگاه انگلستان شده است.

پیکتال می‌گوید: سمفونی غیرقابل تقلید قرآن، تنها،



زیبایی، حکمت، معنویت؛ شیوه‌ها و ابزارهای کارآمد در تبلیغ

تیمور غلامی

◆ داشتن زبان تبلیغ مناسب از موثرترین و پایدارترین اسباب اثرگذاری به شمار می‌آید. «قرآن مجید» و «نهج البلاغه» سرمشق‌های زنده چنین نگرشی هستند. با این که هدف قرآن هدایت و ارشاد تمام مردمان است اما این هدایت هرگز به صورت موعظه و پند و اندرزهای خشک و رسمی عرضه نشده است بلکه به وسیله تمثیل‌ها و استعاره‌ها و مجازهای هنرمندانه عرضه شده است.

آشفته‌گی رها خواهد شد و افراد نیز به تعالی و رشد معنوی نزدیک‌تر خواهند گردید.

ظهور و بروز چنین فرهنگی به چند مولفه وابسته است. که به طور خلاصه به برخی از آنها اشاره می‌نمایم.

۱. تأثیر و رسوخ در باورها و اعتقادات مردم و یکدلی و یکرنگی با آنان.

این تأثیر زمینه‌ساز بسیاری از فعالیت‌ها (بخصوص فرهنگی) خواهد شد. منتها چنین تأثیری باید پایدار باشد نه مقطعی و زودگذر. تأثیر پایدار وقتی صورت می‌گیرد که:

الف. فرهنگ عرضه شده دارای غنای لازم باشد.
ب. ارتباط دو سویه بین سخن‌گو و مخاطب برقرار شود.
ج. از کلی‌گویی و عبارت پردازی‌های غیرهنرمندانه پرهیز شود.

۲. تعیین حدود موقعیت‌ارگذار و یا فضای مطلوب فرهنگی

یافتن «آنچه باید کرد» از ضروریات مهم هر نوع کوششی به حساب می‌آید. تحقق این امر در پرتو چالش‌هایی از این دست (که به عنوان مثال در شماره اخیر مجله نگاه حوزه صورت گرفته است) حاصل می‌شود. منتها هر چه تلاش‌ها جدی‌تر باشد حصول نتیجه حقیقی‌تر خواهد بود.

۳. دست‌یابی به زبانی درخور

یعنی زبانی کارآمد که به دور از موعظه و نصیحت مستقیم باشد. به طوری که مخاطب احساس حقارت در خود نکند. زیرا که داشتن زبان تبلیغ مناسب از موثرترین و پایدارترین اسباب اثرگذاری به شمار می‌آید. «قرآن مجید» و «نهج البلاغه» سرمشق‌های زنده چنین نگرشی هستند. با این که هدف قرآن هدایت و ارشاد تمام مردمان است اما این هدایت هرگز به صورت موعظه و پند و اندرزهای خشک و رسمی عرضه نشده است بلکه به وسیله تمثیل‌ها و استعاره‌ها و مجازهای هنرمندان

اصواتش انسان را به گریه و جذبه وامی‌دارد.

جان دیون پورت می‌نویسد: قرآن از نظر ادبی شاعرانه‌ترین اثر مشرق زمین، در برگیرنده نثری موزون و مسجع، به بلیغ‌ترین و فصیح‌ترین صورت زبان عربی و نمونه‌ای از اعلای آن زبان و مملو از درخشنده‌ترین امثال و محکم‌ترین تشبیهات است. سحر و جاذبه‌ای که در سبک انشای آن به کار رفته و لطف و دوستی آن، تحسین و اعجاب عرب را برانگیخت با آیات پرطنطنه‌ای ملکوت خداوند را تصویر می‌کند. آهنگ و نوا و عباداتش در ترسیم بهشت و جهنم تکان دهنده است.

«گیلورد دورمان» آمریکایی و «یوهان ولفانگ فون گوته» آلمانی و دیگران نیز از سنگینی جاذبه و اسلوب شگفت‌انگیز زبان قرآن سخن گفته‌اند.^{۱۰}

به هر حال این نوع نگرش می‌تواند، نگرش موثر در زمان حاضر باشد. زیرا فطری‌تر است و به تناسب فطری بودنش، حکمی‌تر. این چیزی است که امروزه نیز بدان بسیار نیازمندیم. یعنی قادر باشیم حکیمانه فطرت و سرشت بشریت را به سوی خود جلب نماییم. چه بسا که این لباس در آینده برازنده‌ترین پوشش تشخیص داده شود و حقا که چنین نیز هست.

اما تفصیل شیوه‌های کارآمد تبلیغی نیز خالی از لطف نیست که البته به جهت تنگی مجال آن‌ها را به اجمال بازگو می‌نماییم. در دین مبین اسلام و به تبع آن حکومت اسلامی کشش و کوشش مرید و مراد دو جانبه است زیرا که دوستداری و محبت فراتر از حرف و حدیث است. بدین جهت حق تعالی فرموده است که: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ مَا يُقَوْمُ حَتَّىٰ يَغْفِرُوا مَا بَأْسَهُمْ» یعنی هر چند که فطرت سالم باشد. و به هر اندازه که کششی ذاتی در درون به ودیعه نهاده شده باشد اما باید کوششی آگاهانه بر میان باشد. کارگزاران حکومت اسلامی از دیرباز در صدد بوده‌اند که سهم انسانی انسان‌ها به فراموشی سپرده نشود. اصولاً در دیگر مکاتب و نحله‌های بشری نیز انسان‌ها همواره در صدد احراز هویتی مستقل و خودانگیخته بوده‌اند. ظهور مکاتبی همچون اومانیسم و اگزیستانسیالیسم و پوپولیسم و لیبرالیسم دلیلی است بر این مدعا. منتها افراط و تفریطی که در ذات و سرشت هر کدام از این مکاتب وجود دارد مسأله‌ای است جدا و قابل بررسی که از حوصله این بحث خارج است.

فعالیت حوزه در فرآیند توسعه بیشتر جنبه فرهنگی دارد. اما هدف از این فرهنگ به قول «لاکروا»: «تحقق کامل همه امکان‌هایی است که در ضمیر بشر نهفته است. یا چیزی که وقتی همه چیز از یاد رفت، سر بر می‌کشد.»^{۱۱} بررسی فعالیت‌های روحانیت در بستر تاریخ نمایانگر آن است که تبلیغ در جهت فرهنگ‌سازی از دست‌آوردهای مهم حوزه‌ها بوده است. البته نه تنها حوزه‌ها بلکه حتی دینداران نیز به هر نسبتی که بتوانند فرهنگی پیشرو و مردمی به جامعه عرضه کنند جامعه از دامان

هنرمندی سرشته شود در لایه های درونی و سرشت انسان ها اثر می گذارد. چنین الگوهایی که خود عین هنرند و یا لاقیل هنر شناسند. (البته منظورم بیشتر هنر انسان شناسی و یا فن انسان شناسی است) مورد نیاز زمان حاضر است. به قول معروف برخی هنرشان زندگی کردن است اما برخی دیگر زندگی شان هنر. ما به دیدارانی نیازمندیم که زندگی شان عین هنر باشد تا الگویی واقعی و راستین برای زمان خود و نسل های بعد باشند. در این صورت نه عوام، بلکه خواص نیز جذب این الگوها می شوند و خطر عوام زدگی نیز کاهش می یابد. از این

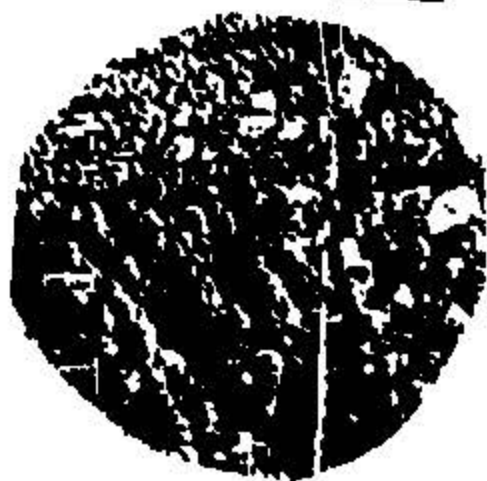
عرضه شده است. نمونه های آن به فراوانی در قرآن قابل مشاهده است از جمله:

إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ
 مَثَلُ الَّذِينَ حُمَلُوا التَّوَارِهِ كَمَلِّ الْحِمَارِ يَحْمِلُ
 أَسْفَاراً^۷

نمونه های فراوانی برای چنین موردی در قرآن به چشم می خورد. به عنوان مثال داستان «ذوالقرنین» از نمونه های آن به شمار می آید. ایجاز در روایت چنین داستانی به سرحد کمال است. به گونه ای که دست یافتن به چنین ایجازی در زمان حاضر (در نقل روایت داستان) آسان به نظر نمی آید. ایجازی که به قول اهل بلاغت محلّ به معنا نباشد. داستان حضرت یوسف (ع) با توجه به ظرافت و حساسیت هایی که دارد از نمونه های بسیار بارز دیگر به شمار می آید. شرح بی پردگی هایی که در بطن داستان حضرت یوسف (ع) باشد. و از این گونه هنرمندیها در زبان کتب دین فراوان به چشم می خورد. یعنی هنرمندیهایی که حتی در زمان حیات خود به راحتی قابل درک نیستند و یا اگر بهتر بگوییم به اندازه فهم زمان قابل درکند و با گذر ایام راز و رمز آنها بهتر و بیشتر آشکار می شود. به هر حال بیان دینی در برخی دوره های پیشین به شیوه مطلوب تری بوده و کاملاً پیشروتر از زمان خود بوده است. اما امروزه نمی شود ادعا کرد که زبان فرهنگ ایجاد شده راضی کننده است. این مورد به اندازه ای اهمیت دارد که شاید بتوان گفت عرضه معجزات و رفتار و کردار پیامبران در جهت عینیت بخشیدن به زبان دین بی تأثیر نبوده است. زیرا بدین وسیله هنجارها به کردارهای عینی و ملموس تری تبدیل می شده است.

۲. تأثیر در نحوه برخورد و زندگی روزمره مردم (تأثیر فولکلوریک)

عامه حجم وسیعی از پیروان هر دین و آیین و قانون و مسلکی را تشکیل می دهند. هر فرهنگی که بتواند آگاهانه روشنگر عوام باشد، منتها با زبانی در خور فهم آنان در بین آنها تأثیر و نفوذ نماید، قطعاً در انجام کاری بزرگ توفیق حاصل نموده است. به عنوان مثال این داستان را به طرُق گوناگون شنیده اید که امیری عادت به امر و نهی داشت تا به حدی که پس از عزلش نیز نمی توانست ترک عادت کند. به ابریق داری (آفتابه داری) مشغول شد تا به کسانی که آفتابه ها را بر می داشتند یا سرچایش می گذاشتند. امر و نهی کند. این داستان از مثنوی «طالق دیس» «حاج ملا احمد نراقی» منقول است در حالی که عوام گمان می کنند که ساخته ذهن آنهاست و یا با تأکید عنوان می نمایند برای اقوام نزدیکشان اتفاق افتاده است. این رویکرد دلیلی است بر تأثیرگذاری آن و نشان دهنده آن است که اگر زبان و بیان و روش تبلیغ مردمی باشد و با



مطهری» داوری منصفانه ایشان است. به گونه‌ای که ایشان به عنوان یک شخصیت فرهنگی نسبت به دوست و دشمن تعصبی نداشته و حتی اگر مورد ارزشمندی را در کار شرق شناسی می‌دیدند در حد و اندازه‌های خود از آن به نیکی یاد می‌کردند.

۷. داشتن شناخت مناسب از مخاطب و یا مخاطبان

البته شناختی شایسته که جدا از اسم و رسم و قد و اندازه است. یعنی شناختی فراتر از واژگانی چون پیر و جوان، روحانی و دانشگاهی و...

۸. شناسایی مقتضیات عصر و زمان

این امر کمک می‌کند که پی‌ریزی و برنامه‌ریزی امور متناسب با مقتضیات باشد که قطعاً در این صورت تأثیرگذاری بهتر خواهد بود.

۹. روشنگری

بالاخره باید بپذیریم که روشنگری غایت نهایی فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی به شمار می‌آید و «تمام دینداران به عنوان روشنگران موظفند که به عنوان «تعلیم دهنده» متحیران خاموش را به استدلال‌کنندگانی آگاه در آورند. نه این که مسایل را به آنان تلقین کنند و ایشان را، نه فعال، بلکه فعل‌پذیر نمایند»^۱ و این امر در پرتو آزادی معقول و منطقی و هدفمند محقق خواهد شد. هر چند که آزادی به راحتی و بدون سوء استفاده حاصل نخواهد شد اما به قول «دکارت» برای به دست آوردن گاه باید گندم بکاریم. آن که گندم کاشت هم گاه دارد. هم گندم. ولی آن که گاه کشت نه گندم دارد نه گاه»^۲ و ما باید بذر گندم را که همان روشنگریست در ضمیر انسان‌ها بکاریم و پرورش دهیم و برویانیم.

پی‌نوشت‌ها:

۱. کارنامه اسلام، دکتر عبدالحسین زرین کوب، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹، ص ۱۲۴.
۲. همان.
۳. زبان قرآن، مقصود فراستخواه، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۶، صص ۸-۲۷.
۴. قرآن مجید، رعد ۱۱.
۵. آزادی و فرهنگ، دکتر مصطفی رحیمی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴، ص ۱۰.
۶. قرآن مجید، لقمان ۱۹.
۷. قرآن مجید، جمعه ۵.
۸. تراژدی قدرت در شاهنامه، دکتر مصطفی رحیمی، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۷۶، ص ۱۲۲.
۹. منبع پیشین، ص ۱۲۱.



دیدگاه «سعدی» می‌تواند از زمره دیندارانی باشد که در سده‌های قبل توانسته است در اجتماع زمان خود و آینده و بین گروه‌های مختلف به حق تأثیرگذار باشد. «شهید مطهری» نیز از جمله کسانی است که با توجه به این رسالت خطیر در زمان حیات پربارشان در جهت محقق شدن چنین رسالتی تلاش و کوشش بسیار نمودند. کوشش‌هایی که جنبه محققانه داشت. ایشان درباره شعر آسمانی حافظ «تماشاگاه راز» را تألیف نمودند. «داستان راستان» را علیرغم اعتراض‌های مختلف گردآوری نمودند و به دور از هر گونه تعصب و جمودی به تحقیق و تألیف اقدام نمودند. بدین جهت است که شخصیت آن بزرگوار به وسیله دوست و دشمن مورد ستایش قرار گرفت. تا به حدی که بقول معروف دشمنانش شخصیت ممتاز او را بر نتافتند و هنرش موجب شهادتش گردید.

۵. آرایه تحلیلی نواز حوادث و وقایع جاری زمان

به شرطی که جذابیت‌های لازم را داشته باشد و به گونه‌ای که در فهم و درک دیگران نیز بی‌تأثیر نباشد حتی در باورهای دیگران نیز مؤثر واقع شود.

۶. رعایت انصاف در داوری اندیشه‌ها در تبلیغ

شخصیت هر کس در موقعیت‌های سخت بهتر شناخته می‌شود. در این موقعیت‌هاست که داوری‌ها و موضع‌گیری‌ها سرنوشت‌ساز خواهد بود. از دلایل محبوبیت شخصیت «شهید